

یادداشت

بازدید رئیس‌جمهور از چابهار و انتظار توسعه منطقه آزاد

عبدالرسول خلیلی

کارشناس مناطق آزاد

روابط عمومی دفتر رئیس‌جمهور اعلام کرد پزشکمان امروز پنجشنبه به چابهار و زابل سفر می‌کند. او در این سفر قرار است ضمن دیدار از چابهار نشستی درباره توسعه فرصت‌های سرمایه‌گذاری منطقه آزاد چابهار داشته باشد. رضا مسرور، دبیر شورای‌عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، نیز در این سفر همراه رئیس‌جمهور خواهد بود. متناسب با این سفر به نظر می‌رسد نکاتی به اطلاع رئیس‌جمهور رسانده شود تا متناسب با پیشرانی مناطق آزاد در ماده ۱۱۹ قانون برنامه هفتم مناطق آزاد و ویژه در جای واقعی خود بنشینند. منطقه آزاد تجاری–صنعتی در تقسیم‌بندی انکتاد، زیرمجموعه مناطق پردازش صادرات تعریف شده است.

این منطقه براساس ماده ۱۹ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سال ۱۳۶۸ تصویب شد. قانون چگونگی اداره مناطق نیز در هفتم شهریور ۱۳۷۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. براساس مأموریت‌ها و اهداف مناطق آزاد، قرار بود این منطقه به محلی برای تشویق و جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، تولید و پردازش صادرات و ایجاد فرصت‌های شغلی سالم و اشتغال مولد تبدیل شود.

تنظیم بازار کار و کالا، حضور فعال در بازارهای جهانی و منطقه‌ای به منظور پشتیبانی از فعالیت‌های اقتصادی و برقراری ارتباط تجاری بین‌المللی و تحرک در اقتصاد منطقه‌ای، از دیگر اهداف تعیین‌شده این منطقه بوده است. مساحت اولیه این منطقه در آغاز ۱۴ هزار هکتار در منتهی‌الیه شرق خلیج چابهار تعیین شد. در ۲۴ دی‌ماه ۱۳۹۸ مجلس شورای اسلامی با تصویب لایحه توسعه محدوده منطقه آزاد تجاری صنعتی، با الحاق مساحت ۶۷ هزارو ۸۷۱ هکتار به محدوده منطقه آزاد چابهار موافقت کرد. وسعت نهایی این منطقه درحال حاضر ۸۱ هزارو ۸۷۱ هکتار است. همچنان که نزدیک‌ترین و آسان‌ترین راه دسترسی به آب‌های آزاد برای کشورهای آسیای میانه و افغانستان و بنابر نظر سازمان ملل متحد، چابهار یکی از مهم‌ترین راه‌های کریدور شرق–غرب و جنوبی‌ترین راه این کریدور است.

در توسعه حوزه عمل منطقه آزاد چابهار، انتقال فناوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا، خدمات، تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج از اولویت‌های راهبردی قلمداد می‌شوند که متأسفانه به لحاظ استفاده از مدیران ناکارآمد در این منطقه، تاکنون به‌رغم داشتن همه مزایای قانونی و اختصاصی جایگاه مناسبی را در اقتصاد ملی پیدا نکرده است و با ادامه این روند به جایی نخواهد رسید.

همچنان‌که فرصت‌های زیادی را نیز در جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی از دست داده است. انتخاب مدیران براساس شرایط احراز تخصصی و آشنا به فرصت‌های بین‌المللی، راهکار اولیه پیشرفت توسعه مورد انتظار در منطقه آزاد چابهار است. قریب به اتفاق سازندگی‌ها و زیرساخت‌ها مربوط به دوره مدیریت سنیاوش سمیعی است که تا زمانی که زنده بود، حسرت این را می‌خورد که چرا منطقه چابهار بعد از او در مسیر سزندگی ادامه راه پیدا نکرد؛ هرچند دوره راه‌اندازی منطقه نیز به صورت غیرمربط با اقتصاد بین‌المللی سپری شد. آقای پزشکمان، این منطقه یک مدیر ویژه متخصص آشنا به بازار و اقتصاد جهانی می‌خواهد تا کارآمدی او بتواند با ارتباطات و شناخت بین‌المللی منطقه را در جایگاه واقعی مورد انتظار اقتصاد ملی بنشاند. جایگاه این منطقه باید به عنوان یک فرصت در کمسیون‌های مشترک اقتصادی با دیگر کشورها مطرح شود تا سرمایه‌گذار خارجی رانغب به سرمایه‌گذاری و انجام فعالیت در این منطقه شود. به اقتصاد دریامحور با حضور مؤثر در ساحل، فراساحل، دریا و اقیانوس هند و بهره‌گیری از تنها به عنوان پیشران و محور توسعه اقتصادی دریامحور در منطقه براساس نگاه بین‌المللی نگریده شده است.

تتها شرکت تأسیس شده در این منطقه که مصوبه هیئت وزیران را هم دارد، به لحاظ ناکارآمدی تا مرحله انحلال پیش رفته است. باید ارتباط با سواحل و جزایر جنوب و به‌ویژه سواحل مکران با منطقه آزاد چابهار شکل گیرد، نه آنکه الحاق این منطقه با سواحل مکران مد نظر باشد. بهره‌برداری حداکثری و بهینه از ظرفیت‌ها، منابع و ذخایر زیست‌بوم دریایی انجام شود.

افزایش سهم منطقه در حمل‌ونقل دریایی و ترانزیت با ایجاد و تقویت شبکه حمل‌ونقل ترکیبی که یکی از بندهای ذیل ماده ۱۱۹ قانون برنامه هفتم پیشرفت مصوب مجلس شورای اسلامی است، مطرح نظر قرار گیرد. اقتصاد دیجیتال، هوش مصنوعی و اینترنت اشیا، دغدغه مورد توجه مدیران سازمان منطقه آزاد چابهار قرار گیرد. بازار سرمایه تقویت شود. آفشور بانک‌های خارجی تأسیس شوند یا بورس بین‌الملل شکل بگیرد.

در اقتصاد منطقه، بخش خصوصی به واقع تقویت شود. جلب سرمایه‌گذاری، افزایش تجارت، تولید و صادرات کالا‌های صنعتی و تبدیلی با جذب مشارکت خارجیان توسعه پیدا کند.

بنگاه‌های کوچک و متوسط در حوزه‌های مختلف از جمله صیادی، کشاورزی، صنعتی و گردشگری خصوصی با مشارکت مردمی در فعالیت‌های اقتصادی با استفاده از تسهیلات بانکی متناسب، تقویت شوند. برای ایجاد تحول در ساختار منطقه آزاد چابهار که بعد از ۳۰ سال هنوز به بازدهی لازم نرسیده، ایجاد یک پروژه صنعتی بزرگ دولتی در منطقه آزاد چابهار بسیار حیاتی است تا از این طریق، فعالیت‌های منطقه جلوه پیدا کند. استفاده از مشاوران خارجی برای تعمیق طرح‌های جامع و تفصیلی الزامی شود. فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و مشارکت داخلی و خارجی با ایجاد زیرساخت‌های لازم نرم‌افزاری و سخت‌افزاری اعم از حقوقی، اقتصادی و زیربنایی گسترش یابد. آقای رئیس‌جمهور، کارآمدشدن منطقه آزاد چابهار یک نگاه ویژه می‌خواهد. همچنان که باید در انتخاب مدیران و اعضای هیئت‌مدیره نگاه کارآمدی و ویژه مد نظر باشد. امیدوارم که حضور شما با نگاه زیرکانه دکتر رضا مسرور بتواند دردهای منطقه آزاد چابهار را درمان کند. مشکلات موجودی که سرمایه‌گذاران ابتدایی را از منطقه آزاد رانده و آن را محلی در حد یک اداره کل ضعیف تترل داده است. منطقه آزاد چابهار را باید با نگاه بین‌المللی دید و چشم‌اندازها را در حد بین‌المللی ترسیم کرد. باید مسائل و مشکلات آن را برای تداوی خوب دید تا منطقه خوب دیده شود. این انتظار از رئیس‌جمهور می‌رود.



در روزهای اخیر، شاهد برخی واکنش‌ها و اظهاراتی چه پیش و چه پس از انتصاب رئیس سازمان غذا و دارو از سوی گروه‌ها و افراد خاصی بوده‌ایم که به‌جای ارائه راهکار و همراهی برای حل بحران‌های دارویی کشور، با فلش‌بک به مواقف یک دهه گذشته و تکرار اخبار و مطالبی که بعضا دارای آمار و محتویات ناراستی نیز هست، با ایجاد حواشی بی‌اساس، روند بهبود شرایط دارویی و سلامت کشور را مختل می‌کنند. این حاشیه‌سازی‌ها در شرایطی انجام می‌شود که کشور با بحران کمبود دارو مواجه است. بحران‌هایی که نتیجه مشکلات تولید، تأمین مواد اولیه و فشارهای اقتصادی است و مستقیما بیماران را از دسترسی به داروهای حیاتی محروم می‌کند. مسئولیت سازمان غذا و دارو در چنین شرایطی، ایجاد نظم و اتخاذ تصمیماتی حیاتی برای رفع این مشکلات است، اما به‌جای تمرکز بر این اولویت‌ها، برخی افراد و گروه‌ها با بهانه‌جویی و طرح مسائلی چون «تعارض منافع» تلاش می‌کنند با تخریب شخصیت و توانایی مسئولان جدید وزارت بهداشت و درمان، مانع اجرای اصلاحات شوند.

به گزارش خبرنگرانان، محسن جلواتی، معاون سابق عضو هیئت‌مدیره، قائم‌مقام و مسئول هفت کارگروه تخصصی در سازمان دیده‌بان شفافیت و عدالت، از جمله منتقدانی است که در رسانه‌های خاص در اظهاراتی با تکیه بر ناپیداشدن ۵۲ نفر به دلیل مصرف داروی اوستین در سال ۹۳، به این نتیجه می‌رسد که گزینش مهدی بیر صالحی انتخابی ناشایست برای سازمان غذا و دارو بوده و نهایت تحقق تعارض منافع در انتخاب این وزیر بهداشت و درمان نهفته است.

نکته قابل تأمل این است که جلواتی که به‌تازگی و یک روز پس از انتصاب رئیس گمرک جدید، از معاونت توسعه منافع انسانی این اداره عزل شد و بسیاری از هم‌فکران او که به بهانه مبارزه با تعارض منافع، عملکرد رئیس جدید را زیر سؤال می‌برند، خود در معرض سوآلات جدی درباره شفافیت مالی و عملکردشان قرار دارند. این نهادها و گروه‌ها، با وجود ادعاهای بلندپروازانه‌شان درباره شفافیت و مبارزه با فساد، هنوز هیچ اطلاعات شفافی از بودجه، منابع ورودی و نحوه هزینه‌کرد خود ارائه نکرده‌اند. همین مسئله باعث می‌شود انگیزه واقعی آنها در ایجاد این حواشی زیر سؤال برود.

در شرایط کنونی، همکاری همه‌جانبه بین مسئولان، نهادها و رسانه‌ها برای رفع بحران دارویی کشور ضروری است. تمرکز بر حاشیه‌ها و تخریب شخصیت‌ها نه‌تنها کمکی به حل مشکلات نمی‌کند، بلکه مانعی جدی برای پیشرفت و بهبود شرایط است. از افرادی که مدعی مبارزه با تعارض منافع هستند، انتظار می‌رود ابتدا عملکرد و شفافیت خود را در معرض دید عموم قرار دهند تا از هرگونه سوءتفاهم درباره انگیزه‌هایشان جلوگیری شود.

دیده‌بان شفافیت و عدالت به طور کلی یک سازمان مردم‌نهاد (NGO) است که به منظور مسائل شفافیت، عدالت اجتماعی و مبارزه با فساد تأسیس شده است. این سازمان به‌ویژه بر افشای فساد در بخش‌های دولتی و خصوصی و همچنین بررسی مسائل اجتماعی و اقتصادی ایران تمرکز دارد. هدف این نهاد، افزایش آگاهی عمومی نسبت به فساد و نقض اصول شفافیت در نهادهای مختلف، از جمله بخش‌های دولتی و اقتصادی است.

اگرچه دیده‌بان شفافیت و عدالت در سابقه فعالیت خود افشاگری از برخی پرونده‌های فساد در حوزه بانک‌ها و مؤسسات مالی، وزارتخانه‌ها و نهادهای دولتی، در حوزه‌های اقتصادی و سنتسی و همچنین پرونده‌های سیاسی و اختلاس‌های دولتی را داشته است، اما گزینش برخی پرونده‌ها و بی‌توجهی به برخی پرونده‌های فساد با ارقامی بزرگ با صفراهای بی‌شمار در برخی صنایع را نیز از نظر نمی‌توان دور داشت.

به‌رغم دیده‌بانی این نهاد، یکی از نکات اساسی در ارزیابی شفافیت سازمان‌ها، به‌ویژه سازمان‌های مردم‌نهاد و غیردولتی، گزارش‌دهی درباره منابع مالی و درآمدهای آنهاست. سازمان‌های شفاف باید گزارش‌هایی منظم و دقیق از نحوه تأمین منابع مالی خود و هزینه‌کرد این منابع منتشر کنند. اما در مورد دیده‌بان شفافیت و عدالت، اطلاعات دقیقی از منابع مالی این سازمان در دسترس عموم قرار ندارد. این سازمان به طور عمومی اعلام کرده از منابع مالی خصوصی، کمک‌های مردمی و سایر کمک‌ها تأمین مالی می‌شود. اما گزارش‌های دقیق و جامع درباره صورت‌های مالی یا اطلاعات کامل در مورد نحوه تأمین منابع مالی آن در دسترس نیست و ممکن است این موضوع با توجه به حساسیت‌های سیاسی و امنیتی موجود در ایران، کمتر منتشر شود.

سوآلات مهم دیگر در ارزیابی عملکرد سازمان‌هایی مانند دیده‌بان شفافیت و عدالت، این است که آیا این سازمان به طور گزینشی و براساس ملاحظات خاص، پرونده‌ها را انتخاب کرده و افشا می‌کند یا خیر؟ این سوآل می‌تواند به جنبه‌های مختلفی مربوط باشد؛ از جمله وابستگی‌ها و تعاملات سیاسی یا روابط

خاص با برخی نهادها. به نظر می‌رسد برخی از پرونده‌هایی که توسط دیده‌بان شفافیت و عدالت افشا شده‌اند، به نوعی تحت تأثیر مسائل سیاسی و اجتماعی کشور قرار دارند. به عنوان مثال، ممکن است برخی پرونده‌ها به طور خاص به فساد در بخش‌هایی از دولت یا نهادهای مرتبط با حکومت پرداخته باشند که حساسیت‌های بیشتری دارند.

دیده‌بان شفافیت و بحث شیرین صنعت دارو

صنعت دارویی ایران، با توجه به وابستگی آن به واردات داروهای خارجی، پاران‌ه‌های دولتی برای تأمین داروهای ضروری و همچنین میزان بالای مصرف دارو در کشور، همواره یکی از بخش‌های حساس و آسیب‌پذیر از نظر فساد بوده است. برخی از مهم‌ترین چالش‌ها و فسادهای مرتبط با صنعت دارو شامل موارد زیر می‌شود:

نقص در تأمین دارو: مشکلات در تأمین داروهای اساسی و کمبود برخی داروها به دلیل فساد در توزیع و قیمت‌گذاری.

سوءاستفاده از ارز دولتی برای واردات دارو: بسیاری از شرکت‌های دارویی از ارز دولتی برای واردات دارو استفاده کرده و به قیمت‌های بالاتر در بازار آزاد عرضه می‌کنند.

فساد در روند ثبت و توزیع دارو: برخی شرکت‌ها و افراد از روش‌های غیرقانونی برای تسریع یا تغییر روند ثبت داروهای جدید و همچنین تأمین منابع مالی استفاده می‌کنند.

تخصیص غیرمنصفانه پاران‌ها: در برخی موارد، تخصیص پاران‌ها به برخی شرکت‌های دارویی یا افراد خاص موجب فساد مالی و سودجویی شده است که در پنج سال اخیر پرونده است.

تخلفات ۹۲ میلیون یورویی یک شرکت بزرگ دارویی در قوه قضائیه دنبال شد، اما هنوز احکام نهایی صادر نشده است. این پرونده مهم، به طور خاص از طریق مدیریت سازمان غذا و دارو در سال ۹۷ برلا شد و اتفاقاً در این پرونده که یکی از بزرگ‌ترین تخلفات ارزی در صنعت دارو محسوب می‌شود، نهاد دیده‌بان شفافیت سیاست سکوت در پیش گرفت و این خود جای سوآل دارد که چرا این نهاد در مورد افشاگری و مبارزه با پرونده‌های فساد تاکنون گزینشی عمل کرده است؟

گزینش سلیقه‌ای پرونده‌های دارویی

همان‌گونه که ذکر شد، یکی از نقدهای عمده به دیده‌بان شفافیت و عدالت، به‌ویژه در حوزه صنعت دارو، این است که این سازمان چرا در انتخاب پرونده‌ها به طور گزینشی عمل کرده است؟ این گزینش ممکن است براساس چند عامل باشد:

فشارهای سیاسی و اقتصادی: در برخی موارد، دیده‌بان شفافیت و عدالت ممکن است ترجیح دهد که به پرونده‌های خاصی در صنعت دارو بپردازد که به‌ویژه در سطح عمومی و رسانه‌ها قابل توجه است.

تأکید بر برخی گروه‌ها و شرکت‌ها: دیده‌بان شفافیت و عدالت ممکن است فقط به فساد در برخی شرکت‌ها یا افراد خاص که تأثیر بیشتری در افکار عمومی دارند، بپردازد. به طور مثال، شرکت‌های بزرگ دارویی یا افرادی که از نفوذ بیشتری برخوردارند. **رسانه‌ای‌بودن برخی پرونده‌ها:** برخی پرونده‌ها به دلیل پوشش وسیع رسانه‌ای یا توجه خاص افکار عمومی، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند و این می‌تواند منجر به تمرکز بیشتر روی آنها شود.

این گزینش‌گرایی در انتخاب پرونده‌ها می‌تواند از جنبه‌های مختلف مورد انتقاد قرار گیرد؛ چراکه ممکن است فساد در برخی دیگر از شرکت‌ها یا بخش‌های کمتر شناخته‌شده نادیده گرفته شود.

چالش‌ها و نقدهای وارد شده به دیده‌بان شفافیت و عدالت در پرونده‌های دارویی

دیده‌بان شفافیت و عدالت با وجود تلاش‌هایی که در زمینه افشای فساد در صنعت دارو انجام داده، با چالش‌ها و نقدهای متعددی روبه‌روست که این محدودیت‌ها قابل اشاره است که می‌توان به محدودیت‌های اطلاعاتی و دسترسی به مستندات، تأثیرات سیاسی و اقتصادی و محدودیت و چالش مهم‌تر، نبود شفافیت در تأمین منابع مالی خود نام برد.

عدم شفافیت در منابع مالی و درآمدهای یک سازمان یا نهاد، به‌ویژه سازمان‌هایی که در حوزه‌های حساس و عمومی مانند شفافیت، عدالت و مبارزه با فساد فعالیت می‌کنند، می‌تواند تأثیرات منفی و جدی بر عملکرد آنها داشته باشد. این عدم شفافیت نه‌تنها به اعتبار سازمان آسیب می‌زند، بلکه ممکن است آن را در معرض سوءاستفاده‌های مختلف و تهدیدهای داخلی و خارجی قرار دهد. در ادامه به بررسی تأثیرات این مسئله و خطرات مرتبط پرداخته می‌شود.

۱. کاهش اعتبار و اعتماد عمومی

یکی از مهم‌ترین اثرات عدم شفافیت در منابع مالی، کاهش اعتماد عمومی به سازمان است. سازمان‌هایی که خود را متعهد به شفافیت و عدالت می‌دانند، برای حفظ



غریب‌علی خلیلی

تعارض منافع در صنعت دارویی کشور مانع از ایجاد شفافیت و فسادزایی از این صنعت شده است

مبارزه گزینشی با فساد

اعتبار خود باید اطلاعات مالی دقیق و شفاف ارائه دهند. اگر یک سازمان در این زمینه شفاف نباشد، این می‌تواند باعث تردید در صحت فعالیت‌های آن و اهدافی که دنبال می‌کند شود. به‌ویژه در نهادهایی که در زمینه افشای فساد و نظارت بر شفافیت فعالیت می‌کنند، عدم شفافیت در منابع مالی می‌تواند نشان‌دهنده تضاد منافع یا اهداف پشت پرده باشد.

۲. افزایش احتمال فساد داخلی

بدون شفافیت در درآمدها و منابع مالی، احتمال سوءاستفاده‌های مالی در داخل سازمان بسیار زیاد است.

مسئولان و کارکنان سازمان ممکن است از نبود نظارت و گزارش‌دهی دقیق در استفاده از منابع مالی سوءاستفاده کنند. این می‌تواند به شکل‌های مختلف از جمله اختلاس و دستبرد در منابع مالی، تخصیص ناعادلانه منابع مالی و قراردادهای غیرشفاف به‌نفع افراد خاص به وقوع بپیوندد.

وقتی سازمانی در مورد درآمدها و هزینه‌های خود گزارشی ارائه ندهد، هیچ‌گونه نظارت عمومی بر نحوه هزینه‌کرد منابع مالی وجود نخواهد داشت و این می‌تواند فساد را به‌راحتی درون ساختار سازمان گسترش دهد.

۴. وابستگی به منابع مالی خاص و تضاد منافع

یکی از دیگر پیامدهای عدم شفافیت مالی، ایجاد وابستگی به منابع مالی خاص است. اگر سازمانی از منابع مالی غیرشفاف یا وابسته به یک منبع خاص تأمین مالی شود (مثلا کمک‌های دولتی، کمک‌های تجاری از نهادهای خاص، یا حمایت‌های خارجی مشروط)، این ممکن است استقلال سازمان را تحت تأثیر قرار دهد و بر اهداف آن اثر منفی بگذارد. وابستگی به منابع خاص ممکن است موجب شود سازمان از بررسی یا افشای فسادهایی که به این منابع مرتبط است خودداری کند. در چنین شرایطی، سازمان‌ها ممکن است به دلیل فشارهای مالی یا سیاسی از افشای پرونده‌های خاص یا اصلاحات مالی ضروری خودداری کنند. این تضاد منافع می‌تواند تأثیر منفی بر کارکرد و اهداف اصلی سازمان داشته باشد.

۵. فقدان پاسخ‌گویی

بدون شفافیت مالی، سازمان نمی‌تواند به طور مؤثر و شفاف در برابر نهادهای نظارتی، اعضای خود و حتی عموم مردم پاسخ‌گو باشد. نبود نظارت بر منابع مالی، باعث می‌شود هیچ‌کس نتواند به طور دقیق ببیگری کند که منابع از کجا تأمین می‌شوند و چگونه هزینه می‌شوند. در نتیجه، سازمان نمی‌تواند از طریق گزارش‌های مالی و شفافیت، اعتماد عمومی را جلب و تقویت کند. عدم پاسخ‌گویی در زمینه مالی می‌تواند این سازمان را در معرض انتقادات و سوآلات قرار دهد.

پنهان‌کاری مالی و قراردادهای در ارگان‌ها یکی از علل مهم عدم شفافیت و همین موضوع موجب اشاعه فساد خواهد بود.

چه آنکه محفلی خودساخته با همدستی با مراکز نزدیک به ساختارهای درون قدرت و با حربه پرونده‌سازی قادر می‌شود چرخش‌های عجیب‌وغریب در اندوخته حساب‌های بانکی، سهام و رانت‌های اقتصادی به‌نفع اشخاص و گروه خاص رقم بزند. اساسا در چه مقطع و در چه لایه‌هایی باید به دنبال شفافیت بود و مهمه امور را زیر نظر داشت که عدالت زیرپا گذاشته نشود؟

سال‌هاست که هر علاقه‌مند و صاحب تخصص و کارآفرین در کشور از پدیده رانت نسلان و نگران‌اند و اتفاقا بستر این نگرانی‌ها در سیاست‌های حمایتی و به‌ویژه در بخش‌هایی که مدیریت دولتی و بخش عمومی برای آن تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری می‌کنند، زمینه‌چینی می‌شود و تا زمانی که در بر این باشته می‌چرخد، شفافیت و ممانعت از بی‌عدالتی خواسته و شعراهایی است که جامعه فعالین اقتصادی روی آن نمی‌توانند حساب کنند.

سوآل اینجاست که نهادهای به نام دیده‌بان و ناظر کجا و در چه مقطع و گزارش تحقیقی مسیری را پیگیری و سپس جمع‌بندی و ارائه مستندات نظرات خود را اعلام می‌کند؟ آیا این محفل و کارشناسان مدعی در آن، اطلاعات اقتصادی شخصی‌شان و محل درآمد و سهام‌شان در شرکت‌های متعدد نیز شفاف است؟ چگونه به اطلاعات اقتصادی کلیه نهادهای شرکت‌ها و عملیات اقتصادی دسترسی آزاد دارند اما نمی‌توان اطلاعات اقتصادی اعضا و کارشناسان این محفل را شفاف رصد و پیگیری کرد؟

عدم شفافیت در منابع مالی و درآمدهای یک سازمان، می‌تواند منجر به آسیب‌های جدی به اعتبار، کارکرد و حتی استقلال آن سازمان شود. از فساد داخلی و تضاد منافع گرفته تا نفوذ نهادهای غیرمستقل و تهدیدات قانونی، نبود شفافیت مالی می‌تواند خطرات زیادی را به دنبال داشته باشد. بنابراین، برای سازمان‌هایی که در زمینه‌های حساس و اجتماعی مانند شفافیت، عدالت و مبارزه با فساد فعالیت می‌کنند، داشتن شفافیت مالی نه‌تنها یک ضرورت اخلاقی و قانونی است، بلکه برای حفظ اعتماد عمومی و کارکرد صحیح آنها نیز حیاتی است.

خبر

یک سوم گاز کشور در نیروگاه‌های برق مصرف می‌شود

شرق: چیزی نزدیک به یک‌سوم گاز کشور در نیروگاه‌های برق مصرف می‌شود؛ عددی بسیار بزرگ که حاکی از وابستگی شدید تولید برق کشور به گاز است. پیمان خضربی، مدیرعامل شرکت انتقال گاز، در یک نشست خبری توضیح داد: «۳۴ درصد کل گاز تولیدی کشور در بخش نیروگاهی، ۳۴ درصد صنعت، ۲۵ درصد بخش خانگی، چهار درصد سی‌ان‌جی و سه درصد به مصارف کوچک صنعتی و کارگاهی می‌رسد.»

او با بیان اینکه بالغ بر ۴۰هزارو ۶۶ کیلومتر خط لوله انتقال گاز در کشور وجود دارد، توضیح داد: «این شبکه از ۲۰ نقطه، مجموعه ۱۳ پالایشگاه پارس جنوبی، ایلام، خانگیران، سرخس، بیدبلند و دو مخزن ذخیره‌سازی گاز را تحویل می‌گیرد و از ایستگاه تقویت فشار و مراکز بهره‌برداری به مبادی مصرف ارسال می‌شود.»

مدیرعامل شرکت انتقال گاز با بیان اینکه ۷۰ درصد گاز تولیدی در نیمه شمالی کشور مصرف می‌شود، گفت: «روز دوشنبه هفته جاری ۸۷۲ میلیون مترمکعب گاز انتقال داده شده که در مقایسه با سال گذشته در همین زمان که این رقم ۸۳۳ میلیون مترمکعب بوده، ۴۰ میلیون مترمکعب افزایش یافته است.»

در شرایطی ۷۰ درصد گاز کشور در نیمه شمالی کشور مصرف می‌شود که نیمه شمالی در انتهای شبکه گازرسانی قرار دارد و با افزایش سرمایه هوا، این منطقه بیشتر در معرض کمبود گاز قرار می‌گیرد.

خضربی در ادامه به سهم بالای گاز در سبد مصرف انرژی کشور اشاره کرده و گفت: «به واسطه اینکه ۷۴ درصد سبد انرژی کشور از گاز است، شبکه انتقال گاز کشور زیادی از خدمات‌رسانی را دارد. گاز از ۴۰هزارو ۶۶ کیلومتر خط لوله، ۹۴ ایستگاه تقویت فشار و ۶۲ وارد عملیاتی بدون دغدغه و نگرانی به مردم می‌رسد.»

او با بیان اینکه وقتی گاز



قطع می‌شود، ارزشمندی آن را درک می‌کنیم، افزود: «ما در سال جاری با تلاش شبانه‌روزی سعی کردیم که از فصل سرما به‌خوبی عبور کنیم.»

مدیرعامل شرکت انتقال گاز گفت: «تلاش‌های صدروزه شرکت انتقال گاز ایران قبل از ورود به فصل سرما باعث شد که قطع گاز رخ ندهد. سال گذشته ۱۸۹ کمپرسور در شبکه در روپس قرار داشت که امسال این عدد به ۲۰۵ رسیده است. همچنین قابلیت بارگیری تأسیسات از عدد ۵۴ به ۶۱٫۴ رسیده است.»

خضربی با بیان اینکه همچنین قابلیت اطمینان آن ۹۶٫۳ به ۹۷٫۶ درصد رسیده و ایستگاه‌های تقویت فشار از ۹۰ به ۹۴ ایستگاه افزایش یافته است، تأکید کرد: «۳۳ توربین گازی ۳۴۸ توربین گازی و خطوط لوله از ۳۹ هزارو ۱۰۰ کیلومتر به ۴۰هزارو ۶۶ کیلومتر رسیده است.»

خضربی ادامه داد: «افزایش بی‌رویه مصرف گاز سبب می‌شود تأسیسات بیشتر در مدار تولید بمانند و همین امر سبب آسیب‌دیدن بیشتر آنها می‌شود.»

او خاطرنشان کرد: «سال گذشته ۱۸۹ کمپرسور و توربوکمپرسور در مدار قرار گرفت تا گاز را به شمال کشور برساند و امسال این به ۲۰۵ عدد افزایش یافته که نشان از آسیب بیشتر این تجهیزات است.»

مدیرعامل شرکت انتقال گاز ایران گفت: «هر کمپرسور معادل یک فاز پارس جنوبی است که این حجم فعالیت آسیب بیشتری به همراه خواهد داشت.»

خضربی ادامه داد: «کاهش دودرجه‌ای مصرف، کمک خواهد کرد عمر تأسیسات بیشتر شود.»